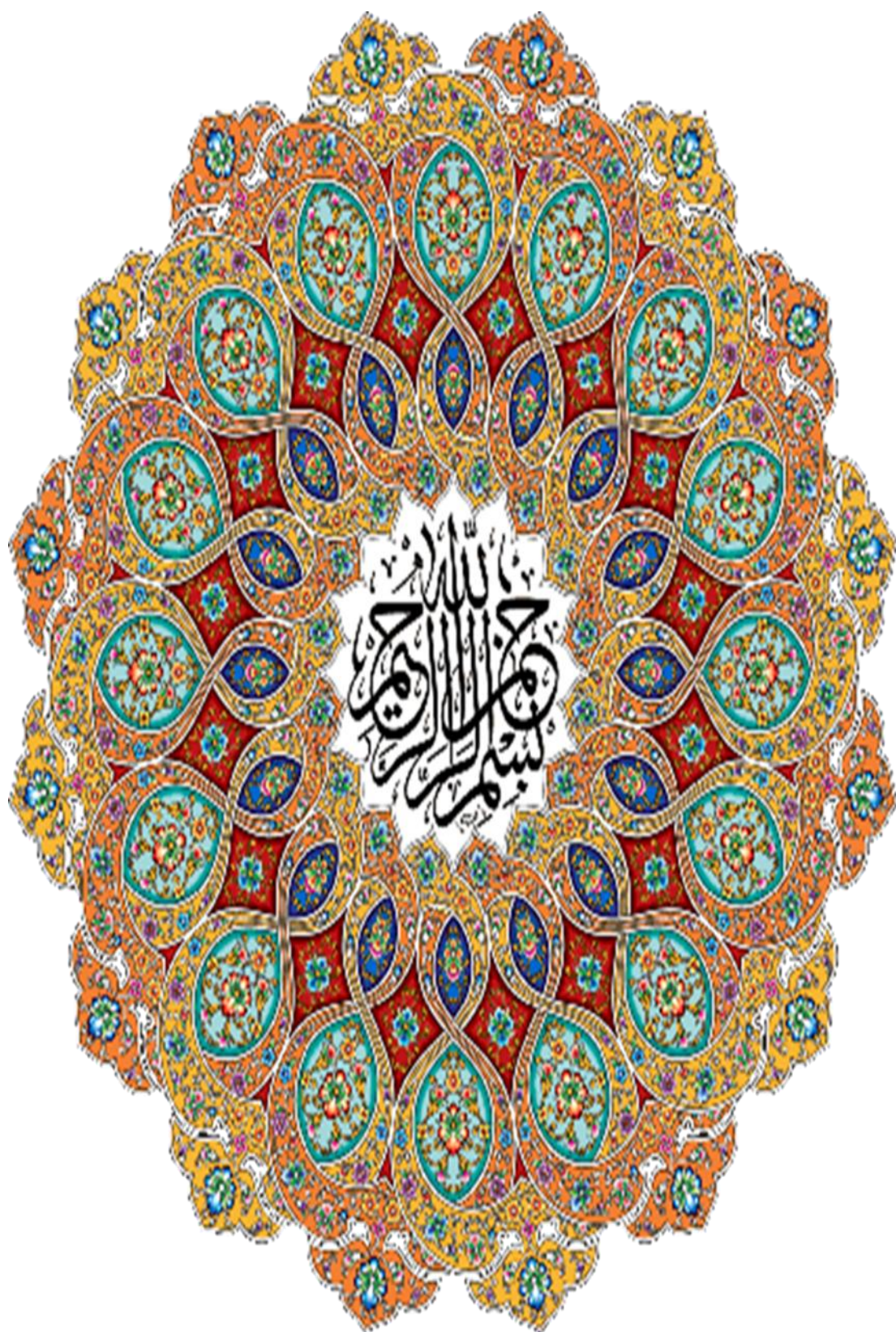






پدر طب اسلامی آیت الله تبریزیان حفظه الله



(کتابخانه تخصصی طب اسلامی)

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ دَائِمَةٍ أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

آنا تومی جلسه «۳»

مطالب:

موی: بینی، سیبیل، محاسن، زیر بغل

تدریس: آیت الله تبریزیان حفظه الله

بخش اول: موی بینی

موی بینی اصل وجودش با حکمت همراه است و برای انسان بسیار مفید است.
«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَعَةُ الْجَنْبِ وَالشَّعْرُ الَّذِي يَكُونُ فِي الْأَنْفِ
أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ؛

موهای درون بینی امان از جذام است.^۱

یعنی ایمنی از بیماری‌های میکروبی است و از ورود میکروب به داخل بینی جلوگیری می‌کند.

موی بینی رشد می‌کند و طبق قانون با رشد موها بیماری از بدن خارج می‌شود به همین خاطر می‌فرمایند: موی داخل بینی که بلند شد، آن را منظم و اصلاح کنید. کوتاه کردن این مو فایده دارد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخَذُ الشَّعْرَ مِنَ الْأَنْفِ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ؛
کوتاه کردن موی بینی صورت را نیکو می‌کند.^۲

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
قَالَ: لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ وَ الشَّعْرِ الَّذِي فِي أَنْفِهِ وَ لِيَتَعَاهَدَ نَفْسَهُ فَإِنَّ
ذَلِكَ يَزِيدُ فِي جَمَالِهِ.^۳

هر یک از شما باید سبیل را و موی داخل بینی را بگیرد و به خود برسد که زیبایی‌اش افزون شود.

علت فاعلی و علت غایی موی بینی

علت فاعلی

۱-بذر

^۱ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ؛ ج ۵۹ ؛ ص ۲۱۲

^۲ الکافي ؛ ص ۴۸۸

^۳ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ؛ ج ۷۳ ؛ ص ۱۰۹

۲-مواد تشکیل دهنده

۳-رطوبت.

رطوبت نقش بسزایی دارد و سبب رشد مو در بینی می شود.

علت غائی

۱-جلوگیری از ورود گرد و خاک می کند و گرد و خاک سبب بیماری های متعدد می شود.

۲-جلوی ورود میکروب و ویروس را هم می گیرد.

درمان بوسیله موی بینی

در روایت سفارش شده است برای کسی که ضربه مغزی شده روغن داخل بینی ریخته شود. احتمال دارد عامل جذب روغن به داخل مغز، موی بینی باشد.

بخش دوم: موی سیبیل

علت غایی و حکمت قرار دادن این مو برای مردان

امام صادق علیه السلام و سؤال از طبیب هندی

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَسْأَلُكَ شَيْئًا قَالَ سَلْ قَالَ أَخْبِرْنِي يَا هِنْدِي لِمَ كَانَ فِي الرَّأْسِ شُؤْنٌ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ الشَّعْرُ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقُ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ جُعِلَ الشَّارِبُ وَالشَّفَةُ فَوْقَ أَلْفَمٍ لِيُحْبَسَ مَا يَنْزِلُ مِنَ الدَّمَاعِ عَنِ أَلْفَمٍ لئَلَّا يَتَنَغَّصَ عَلَى الْإِنْسَانِ طَعَامُهُ وَشَرَابُهُ فَيُحْبِطُهُ عَنْ نَفْسِهِ^٤

امام علیه السلام سؤال کردند: این لب بالا و موی بالای لب برای چیست؟ طبیب در جواب گفت: نمی دانم، حضرت فرمودند: لب بالایی و سیبیل قرار داده شده است برای این که جلوی آب بینی و مخاط را بگیرد تا وارد دهان نشود و خوراک انسان و طعام را فاسد و خراب نکند. همچنین انسان فرصت پیدا می کند که سریع تر برطرف کند. البته رطوبت بینی خود علت فاعلی برای رشد سیبیل می تواند باشد.

سیبیل برای فرق گذاشتن بین زن و مرد و برای تشخیص مردانگی و زنانگی می باشد.

درمان ها بوسیله ی سیبیل

به وسیله کوتاه کردن سیبیل درمان ها شروع می شود و خیلی تاکید شده است بر این که هر هفته یک مرتبه انجام شود. با رشد سیبیل بیماری از بدن خارج می شود و کوتاه کردن سیبیل هم درمان و هم پاکیزگی است. در روایت آمده است که طهارت می باشد.

«خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمودند: خودت را پاک کن و حضرت سیبیلش را کوتاه کرد.»

سیبیل محل تجمع انواع میکروب می باشد که به واسطه ی این میکروب ها انسان بیمار می شود و کثافت اصلی در طب اسلامی همان میکروب و ویروس می باشد که با کوتاه کردن سیبیل میکروب از بدن دور می شود.

^٤ علل الشرایع ، جلد ١ ، صفحه ٩٨

در روایت دیگری آمده است کوتاه کردن سیبیل یک نوع پاکی می‌باشد. و از سنن حنیفه و حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌باشد. سیبیل جزء مشغله‌های انسان می‌باشد خداوند این گونه آفریده است که انسان را مشغول به اموری کند که باعث جلوگیری از افکار نادرست شود و شرور انسان کم شود. مثل: بلند شدن موی سر، محاسن، زیربغل و بقیه اعضای بدن. از سنت‌های حضرت ابراهیم علیه‌السلام پنج مورد در سر و پنج مورد در بدن می‌باشد که یکی از آن‌ها کوتاه کردن سیبیل است.

عن الإمام الصادق عليه السلام: من قلم أظفاره يوم السبت أو يوم الخميس و أخذ من شاربهِ عوفي من وجع الأضراس و وجع العين؛

کسی که ناخن‌هایش و سیبیل‌هایش را در روز شنبه و پنجشنبه بگیرد و کوتاه کند درمان می‌شود و پیشگیری می‌کند از درد دندان و از چشم درد.^۵

از این مطلب می‌توان استفاده کرد که خرابی دندان از میکروب است که بر روی سیبیل جمع شده است و با کوتاه کردن سیبیل هفته‌ای یک مرتبه انسان به دندان درد مبتلا نمی‌شود، گرفتن ناخن همچنین سبب جلوگیری از چشم درد می‌شود.

«در روایت آمده است: که ناخن مخفیگاه شیطان است».

یعنی میکروب و ویروس بوسیله‌ای سر انگشتان وارد چشم‌ها و دهان می‌شود و دندان‌ها را خراب می‌کند، میکروب و ویروس باعث فساد چشم و دندان می‌شود. حکمت دیگر در کوتاه کردن سیبیل دور کردن میکروب و ویروس است.

^۵ طب الإمام الرضا (عليه السلام) المعروف بالرسالة الذهبية ؛ ص ۲۵۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ وَ لَا عَاتَتَهُ وَ لَا شَعْرَ إِبْطِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهَا مَخَابِيَ يَسْتَتِرُ فِيهَا؛

کسی موی سیبیل، عانت و موهای زیر بغلش را بلند نکند زیرا اینها مخفیگاه شیطان می باشد و در آن جا پنهان می شود. و با برطرف شدن این موها میکروب از بدن دفع می شود.

«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ قَالَ: لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ وَ الشَّعْرِ الَّذِي فِي أَنْفِهِ وَ لِيَتَعَاهَدَ نَفْسَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ زِيْدٌ فِي جَمَالِهِ؛

موهای سیبیل و داخل بینی را کوتاه کنید، به خودتان برسید که این عامل زیبایی می باشد.»^۷

علت غایی سیبیل

حکمت کوتاه کردن سیبیل چیست ؟

حکمت کوتاه کردن سیبیل می تواند حکمت وجود سیبیل هم باشد و سیبیل مانع رسیدن رطوبت مغز به دهان می باشد ولی علت غایی کوتاه کردن سیبیل متفاوت است.

درمان به وسیله کوتاه کردن سیبیل

« امام صادق (علیه السلام): أَخَذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ؛

کوتاه کردن سیبیل در هر جمعه به جمعه ای بعد امان است از بیماری جذام.»^۸

^۷ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة ؛ ج ۲ ؛ ص ۱۱۸

^۸ بحار الأنوار ، جلد ۷۳ ، صفحه ۱۲۴

«امام صادق (علیه السلام): خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَأُظْفَارِكَ وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ؛

در روز جمعه ناخن هایت را بگیر و سییل را کوتاه کنيد.»^۹

این روایت دلالت بر خصوصیات روز جمعه دارد و در بعضی روایات دلالت بر این دارد که هر هفته یک بار کافی است.

«امام صادق (علیه السلام): ثُمَّ أُنْزِلَ عَلَيْهِ الْحَنِيْفَةُ، وَ هِيَ الطَّهَارَةُ، وَ هِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ، وَ خَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَأَخْذُ الشَّارِبِ، وَ إِعْفَاءُ اللَّحْيِ؛

آیین حنیفی را که همان پاکی و طهارت است، بر او فرو فرستاد. این طهارت، ده چیز است: پنج مورد از آن در سر، و پنج مورد دیگر در تن. اما آن پنج مورد که در سر است، عبارت اند از گرفتن سییل، و اگذاردن ریش...»^{۱۰}

«امام صادق علیه السلام أَحْفَى شَارِبَهُ حَتَّى أُلْصَقَهُ بِالْعَسِيبِ؛

حضرت موی سییل شان را کوتاه کردند و تا به محل رشد و بوجود آمدن مو رسیدند.
۱۱»

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَأْخُذَ الشَّارِبَ حَتَّى يَبْلُغَ الْإِطَارَةَ ۱۲»

سنت پیغمبر می باشد کوتاه کردن سییل و گرفتن ناخن.

^۹ بحار الأنوار ، جلد ۷۳ ، صفحه ۱۱۰

^{۱۰} دانشنامه احادیث پزشکی ؛ ج ۱ ؛ ص ۵۳۵

^{۱۱} : لكافي ؛ ص ۴۸۷

^{۱۲} مكارم الأخلاق ؛ ص ۶۷

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُقُّوا الشَّوَارِبَ وَأَعْفُوا اللَّحَى وَلَا تَشَبَّهُوا
بِالْيَهُودِ؛

سییل ها را بتراشید ولی محاسن را رها کنید و شبیه به یهود نباشید»^{۱۳} که بلعکس عمل
می کردند.

«امام صادق (علیه السلام): خُذْ مِنْ أَظْفَارِكَ وَ مِنْ شَارِبِكَ كُلَّ جُمُعَةٍ فَإِذَا
كَانَتْ قِصَارًا فَحُكَّهَا فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكَ جُذَامٌ وَلَا بَرَصٌ؛

هر جمعه ناخن ها را بگیرد و سیل را کوتاه کند و اگر ناخن هایتان کوتاه بود آن را
سوهان بزنید، انجام این عمل در هر هفته سبب دوری از بیماری جذام می شود و به بیماری
پسی مبتلا نمی شوید.»^{۱۴} از این روایت استدلال می شود که این دو بیماری عاملش
میکروب و ویروس می باشد.

«عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَخَذَ أَظْفَارَهُ وَ شَارِبَهُ كُلَّ جُمُعَةٍ وَ لَمْ يَمْرَضْ
إِلَّا الْمَرَضَةَ الَّتِي يَمُوتُ فِيهَا؛

اگر کسی هر هفته ناخن و سیلش را کوتاه کند به هیچ بیماری مبتلا نمی شود مگر بر
بیماری مرگ که قرار است به وسیله آن بیماری بمیرد.»^{۱۵} در نتیجه یکی از راه های
درمان با سیل کوتاه کردن آن می باشد و دور کردن بیماری به واسطه این راه می باشد.

درمان به وسیله روغن مالی سیل

^{۱۳} البرهان في تفسير القرآن ، جلد ۲ ، صفحه ۶۳۳

^{۱۴} مكارم الأخلاق ، جلد ۱ ، صفحه ۶۴ «بحار الأنوار ، جلد ۷۳ ، صفحه ۱۲۲»

^{۱۵} بحار الأنوار ، جلد ۸۶ ، صفحه ۳۵۱

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله):

إِذَا ادَّهَنَ بَدَأَ بِحَاجِبِيهِ ثُمَّ بِشَارِبِيهِ ثُمَّ يَدْخُلُ فِي أَنْفِهِ وَيَشْمُهُ ثُمَّ يَدُهْنُ رَأْسَهُ
وَكَانَ يَدُهْنُ حَاجِبِيهِ مِنَ الصُّدَاعِ وَيَدُهْنُ شَارِبِيهِ بِدُهْنٍ سَوَى دُهْنِ لِحْيَتِهِ؛
حضرت رسول در زمان روغن مالی ابتدا از ابروها و بعد سیبیل را روغن مالی می کردند
و آن را می بوییدند، روغن مالی ابرو برای درمان میگرن مفید می باشد و روغنی که با آن
روغن مالی می کردند غیر از روغنی است که برای محاسن استفاده می کردند.^{۱۶}

در این جا برای روغن مالی دو احتمال است:

احتمال اول: این است که حضرت به صورت جداگانه محاسن و سیبیل را روغن مالی
می کردند.

احتمال دوم: این است که حضرت دو نوع روغن استفاده می کردند یکی برای محاسن
و دیگری برای سیبیل. مثال: روغن بنفشه برای محاسن روغن بادام برای سیبیل.

درمان به وسیله معطر کردن سیبیل:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّيْبُ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَرَامَةٌ لِلْكَاتِبِينَ؛

عطر مالیدن به سیبیل از اخلاق پیامبران است.^{۱۷}

این امر چند علت دارد:

اول: فرد فقط بوی خوش استشمام می کند.

^{۱۶} بحار الأنوار ، جلد ۱۶ ، صفحه ۲۴۷

^{۱۷} الکافی ، جلد ۶ ، صفحه ۵۱۰

دوم: این که دم و بازدم خوشبو می شود هوای داخل شش ها خوشبو می شود و سبب خوشبو شدن بازدم می شود.

سوم: سبب تقویت قلب می شود.

درمان به وسیله حنا مالیدن به سیبیل

این جزء رنگ کردن سر و سیبیل و محاسن می باشد.

بخش سوم: موی محاسن

محاسن از موهایی می باشد که بلند می شود و باید کوتاه شود که حکمت این امر خارج کردن بیماری از بدن است. ماده محاسن بیماری می باشد و باید از بدن خارج شود.

علت غائی وجود محاسن:

«امام صادق علیه السلام قال: فَلِمَ جُعِلَتِ الشَّفَةُ وَالشَّارِبُ مِنْ فَوْقِ الْقَمِّ قَالَ لَا أَعْلَمُ قَالَ جُعِلَتِ اللَّحْيَةُ لِلرَّجَالِ لِيَسْتَغْنِيَ بِهَا عَنِ الْكَشْفِ فِي الْمَنْظَرِ وَيُعْلَمَ بِهَا الذَّكَرُ مِنَ الْأُنْثَى؛

چرا برای آقایان محاسن و ریش قرار داده شده است پاسخ داد نمی دانم. امام فرمودند: محاسن و ریش برای مردان قرار داده شده است تا این که بی نیاز شوند از معاینه کردن در نشانه های مرد بودن و زن بودن.»^{۱۸}

^{۱۸} علل الشرایع ، جلد ۱ ، صفحه ۹۸

«در روایت از مفضل آمده است: فَإِذَا أُدْرِكَ وَكَانَ ذَكَرًا طَلَعَ الشَّعْرُ فِي وَجْهِهِ فَكَانَ ذَلِكَ عَلَامَةً الذَّكَرِ وَعِزَّ الرَّجُلِ؛

وقتی انسان بزرگ می شود بر صورتش محاسن می روید و این محاسن یک عزتی برای مرد می باشد.»^{۱۹}

«امام صادق علیه السلام: عَلَامَةُ الذَّكَرِ وَعِزُّ الرَّجُلِ الَّذِي يَخْرُجُ بِهِ مِنْ جَدٍ [حَدِّ] الصَّبَا وَشَبَهِ النِّسَاءِ وَإِنْ كَانَتْ أَثْنَى يَبْقَى وَجْهُهَا نَقِيًّا مِنَ الشَّعْرِ لِيَبْقَى لَهَا الْبَهْجَةُ وَالنَّضَارَةُ الَّتِي تُحَرِّكُ الرَّجُلَ لِمَا فِيهِ دَوَامُ النَّسْلِ؛

یک مرد به وسیله این محاسن از حد کودکی خارج می شود ولی در خانم ها تغییر اتفاق نمی افتد و صورتشان بدون مو می ماند در زمان بزرگ شدن تا زیبایی هایشان و ظرافت شان باقی بماند تا این زیبایی و تمیز بودن صورت خانم ها سبب تحریک مردان بشود و نسل و تولید فرزندان ادامه دار و باقی باشد.»^{۲۰}

«وَلَوْ لَمْ يَخْرُجِ الشَّعْرُ فِي وَجْهِهِ فِي وَقْتِهِ، أَلَمْ يَكُنْ سَيَبْقَى فِي هَيْئَةِ الصَّبِيَانِ وَالنِّسَاءِ، فَلَا تَرَى لَهُ جَلَالَهُ وَلَا وَقَارًا؟.

فَقَالَ الْمُفَضَّلُ: فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! فَقَدْ رَأَيْتُ مَنْ يَبْقَى عَلَى حَالَتِهِ، وَلَا يَنْبُتُ الشَّعْرُ فِي وَجْهِهِ، وَإِنْ بَلَغَ حَالَ الْكِبَرِ؟!

فَقَالَ: ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَهُمْ، وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ؛^{۲۱}

۱۹

۲۰ توحید المفضل ؛ ص ۴۹

۲۱ طب الأئمة عليهم السلام ؛ ص ۲۶

اگر در زمان خودش مو به صورت مرد نروید، آیا آن مرد به حالت کودکی خود باقی نمی ماند؟ آیا شبیه خانم ها نمی شود؟ دیگر آن هیبت و وقار مردانگی را ندارد و در این جا راوی سوال می کند، دیدم افرادی را که بر صورتشان تغییری رخ نداده است و محاسنی برای آنها حاصل نمی شود که در همان حال کودکی برای آنها باقی می ماند هرچقدر سن شان بالا رود تغییر رخ نمی دهد، آیا این به خاطر انجام گناهان می باشد؟ خداوند متعال به بند گانش ظلم نمی کند، بندگان خودشان به خودشان ظلم می کنند و دلیل عدم رشد مو به خاطر گناهان شان است.

سوالی که این جا مطرح می شود: در بعضی مناطق و کشورها افراد بدون محاسن یا با محاسن کمتری هستند و حتی بعضی از کشورهای مسلمان هم این گونه هستند آیا این ها تمام شان گناه کار هستند؟

جواب: البته بعضی افراد کمی مو بر روی صورتشان دارند و به آن ها کوسه گفته می شود ولی بعضی افراد اصلا مو ندارند. در کشورهای شرق دنیا موی سرشان بلند می شود اما بصورت شان موی رویده نمی شود؛ یک احتمال این است که آن ها یک گناه مشترک انجام می دهند و صورتشان زرد رنگ می باشد. مثال: خوردن خون یکی از گناهی است که همگانی انجام می دهند و روایت داریم خوردن خون سبب زردی رنگ صورت و چهره می شود و بعید هم نمی باشد که سبب عدم رویش مو بر صورت باشد و حکمت خلقت این گونه است.

درمان به وسیله روغن مالی محاسن

«در روایت آمده است: کان رسول الله اذا ادهن بدا براسه ولحيته؛

زمانی که پیامبر روغن مالی می کردند ابتدا از سر و محاسن شروع می کردند.»^{۲۲}

درمان به وسیله شانه کردن محاسن

«قال أبو عبد الله عليه السلام: تسريح العارضين تشد الأضراس وتسريح اللحية يذهب بالوباء؛

شانه کردن موهای دو طرف صورت گونه ها را تقویت می کند و شانه کردن موی محاسن و چانه بیماری وبا را برطرف می کند.»^{۲۳}

در نتیجه محاسن هم می تواند عامل انتقال میکروب و بیماری باشد.

«پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله):

مَنْ أَمَرَ الْمُشْطَ عَلَى رَأْسِهِ وَ لِحْيَتِهِ وَ صَدْرِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ لَمْ يُقَارِبْهُ الدَّاءُ أَبَدًا؛ کسی که شانه می کند سر و محاسن خود را و روی سینه اش هم مرور بدهد هیچ بیماری نزدیکش نمی شود.»^{۲۴}

«عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا سَرَّخْتَ رَأْسَكَ وَ لِحْيَتَكَ فَأَمِرَّ الْمُشْطَ عَلَى صَدْرِكَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِهِمُ الْوَبَاءُ»^{۲۵}

زمانی که سر و محاسن را شانه کردی، شانه را بر سینه (از روی لباس) مرور بده، زیرا این کار هم و وبا را برطرف می کند.

«امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

۲۲

۲۳ طب الأئمة عليهم السلام ؛ ص ۱۹

۲۴ بحار الأنوار ، جلد ۷۳ ، صفحه ۱۱۷

۲۵ الكافي ؛ ص ۴۸۹

يُسْرَحُ تَحْتَ لِحْيَتِهِ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَقُولُ إِنَّهُ يَزِيدُ فِي
الذَّهْنِ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله ۴۰ مرتبه زیر محاسن را شانه می کردند و از بالا ۷
مرتبه شانه می کردند و شانه کردن محاسن سبب تقویت ذهن و هوش می شود و بلغم را
قطع می کند.^{۲۶}

وجود بلغم سبب ضعیف شدن حافظه می شود و با نبود بلغم حافظه تقویت می شود.

درمان به وسیله خضاب کردن لَحیه (محاسن)

«امام رضا (علیه السلام): وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّنَنِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ هِيَ سَبْعَةُ إِثْيَانِ النِّسَاءِ
وَ غَسْلُ الرَّأْسِ وَ اللَّحْيَةِ بِالْخِطْمِيِّ؛

از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله رنگ کردن محاسن می باشد و این درمان است در
روز جمعه چند امر سفارش شده است هم بستر شدن و شستن سر و محاسن با گل
ختمی.^{۲۷}

سفارش شده است که محاسن را بلند و گرد کنید، وقتی از یک مشت بلندتر شد آن را
کوتاه کنید. نشانه‌ی انسان عاقل و فهمیده منظم نمودن محاسن می باشد و امر دیگری که
به آن اشاره شده است، گرفتن محاسن به وسیله‌ی دندان و جویدن آن است که این عمل
مشکلاتی به همراه دارد اول این که گرفتن موی محاسن به دندان و کوتاه کردن با دهان

^{۲۶} بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، جلد ۷۳ ، صفحه ۱۱۷

^{۲۷} بحار الأنوار ، جلد ۸۶ ، صفحه ۳۶۰

سبب ایجاد هم غم و اندوه می‌شود و دیگر این که گرفتن محاسن به دندان نشانه‌ای وسواس است.

بخش چهارم: موی زیر بغل

در مورد این موها روایت داریم که آن‌ها را جدا کنید و نوره استفاده کنید و بتراشید. موی زیر بغل به دلیل این که سریع رشد می‌کند نشان بر این است که با رشد آن بیماری از بدن خارج می‌شود.

علت فاعلی رشد موی زیر بغل:

رطوبت زیر بغل.

رشد موی زیر بغل به این دلیل می‌باشد که فضولات بدن از زیر بغل خارج شود و رطوبت و مواد چربی و مواد بد بو هم خارج شود. در مکانی که آب راکد وجود دارد گیاهانی هم رشد می‌کند مثل گیاهان باتلاق، موی زیر بغل در حکم گیاه باتلاقی می‌باشد و موی خوبی نمی‌باشد، در نتیجه علت اصلی و فاعلی رطوبت می‌باشد.

«امام صادق (علیه السلام):

تَوْحِيدُ الْمُفَضَّلِ : إِنَّ الْمَنَانِيَّةَ وَ أَشْبَاهَهُمْ حِينَ اجْتَهَدُوا فِي عَيْبِ الْخَلْقَةِ^{۲۸}

افرادی هستند اشکال می‌کنند: چرا نظم نیست: اگر خداوند وجود دارد چرا مار و عقرب آفریده شده؟ چرا موهای زائد به وجود می‌آید؟

«امام صادق (علیه السلام): اجْتَهَدُوا فِي عَيْبِ الْخَلْقَةِ وَ الْعَمَدِ عَابُوا الشَّعْرَ النَّابِتَ عَلَى الرِّكَبِ وَ الْإِبْطَيْنِ وَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْ رُطُوبَةٍ تَنْصَبُ إِلَى

^{۲۸} بحار الأنوار ، جلد ۵۸ ، صفحه ۳۲۰

هَذِهِ الْمَوَاضِعُ فَيَنْبُتُ فِيهَا الشَّعْرُ كَمَا يَنْبُتُ الْعُشْبُ فِي مُسْتَنْقَعِ الْمِيَاهِ أَمْ فَلَا تَرَى إِلَى هَذِهِ الْمَوَاضِعِ أُسْتَرَ وَأَهْيَأُ لِقَبُولِ تِلْكَ الْفَضْلَةِ مِنْ غَيْرِهَا^{۲۹}

منانیه (مانویان) و طوایف همانندشان، آن گاه که کوشیده‌اند عیبی در کار آفرینش بیابند، بر موهای عانه و زیر بغل، خُرده گرفته‌اند ندانسته‌اند که رویش این موها از رطوبتی است که بدین مواضع می‌ریزد و در نتیجه، آن‌سان که در هر نقطه آبگیر علف می‌روید، در این جاها نیز مو می‌روید. مگر نمی‌بینی که این مواضع، از دیگر جاها پوشیده‌تر و برای پذیرش این زیاده، آماده‌تر است؟

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱۳۹۹/۱۰/۲۸

^{۲۹} بحار الأنوار ، جلد ۵۸ ، صفحه ۳۲۰